

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

طرح اولین قسم از اقسام تلقیح

بعد از اینکه اصل اولی در مسئله که عبارت از اصالة البرائة نقلی و عقلی است را تحکیم کردیم وارد مسئله تلقیح می‌شویم. در این مسئله تلقیح، اقسام و فروع متعددی وجودی دارد. اولین قسم این است که اگر نطفه مردی را از راه وسائل و ابزار، در مهبل یا در رحم زوجه شرعی خودش قرار دهند، یعنی از راه طبیعی این امکان وجود ندارد اما از راه وسائل و ابزار این امکان وجود دارد، آیا این جایز است یا نه؟ در این مورد به حسب این عنوان – یعنی تلقیح نطفه زوج و زوجه که بین هر دو زوجیت شرعی برقرار است – دلیلی بر حرمت نداریم و همان اصالة البرائة عقلی و نقلی در اینجا جریان دارد.

در بین آیات و روایات هیچ دلیلی نداریم که عمل تلقیح باید از راه طبیعی در رحم زوجه شرعی صورت بگیرد. این جا این بحث مطرح می‌شود که اگر این کار مستلزم نظر و لمس باشد که باید پزشک زوجه این مرد را نظر و لمس کند و از راه نظر و لمس، منی را در رحم این زوجه قرار دهد، از این جهت ممکن است اشکالی تولید شود، اما از نظر خود اصل لقاح و تلقیح هیچ اشکالی در این فرض وجود ندارد. اگر بین این زوج و زوجه واقعا یک اضطراب و یک حرجی وجود داشته باشد، مثلاً در حدی هستند که زندگی آنها در معرض از هم پاشیدن است، قاعده لا حرج مشکل این نظر و لمس را هم برمی‌دارد، می‌گوید اینجا که اضطراب وجود دارد طبیب اگر زوجه آن شخص را نظر یا لمس کند برای اینکه بتواند منی را در رحم او قرار دهد اشکالی ندارد.

طرح یک سؤال

اینجا بحثی – که البته باید در کتاب النکاح مطرح کرد – این است که آیا ادله ای که دلالت بر حرمت نظر و لمس به اجنبیه دارد، فقط نظر به آنچه که به عنوان ظاهر جسمی او هست را شامل می‌شود که نظر به مو و بدن او حرام است؛ یا اینکه نه، این باطن اجنبیه را هم شامل می‌شود؟ فرض کنید دکتری می‌خواهد شکم زنی را جراحی کند، اینجا هیچ چیز از ظاهر این زن پیدا نیست، بلکه روده و قلب و کلیه او پیدا است و برای دیگران که در آنجا حضور دارند ولو عنوان دکتر را هم ندارند بگویم نظر به این مانعی ندارد، قلب این زن را اگر نگاه کنند و بخواهند با دست قلب را در بیاورند اشکالی ندارد.

این متوقف بر این است که ادله حرمت نظر و لمس را بررسی کنیم و ببینیم آیا از ادله حرمت نظر و لمس مثل: «[قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ](#) [يَغْضُوا مِنْ أَنْصَارِهِمْ](#)» یا ادله و روایات دیگری که وجود دارد استفاده می‌شود که فقط نظر به ظاهر حرام است و آنچه که عنوان باطن زن را دارد اشکال ندارد، مثلاً اگر زن دهانش را در مقابل دندانپزشک باز کرد بگویم این هم عنوان باطن را دارد یا بگویم ظاهر و آنچه که در حکم ظاهر است؛ آنوقت مسئله دهان و دندان و مهبل هم شامل ظاهر می‌شود و قلب و کلیه و... عنوان باطن

را پیدا کند. این بحث باید در کتاب النکاح مطرح شود.

ادامه بررسی فرع اول

ما روی این فرض بحث می‌کنیم که اگر گفتیم نظر و لمس مطلقاً حرام است حتی نسبت به باطن، اینجا اگر برای این زوج و زوجه اضطرار باشد و ادامه زندگی عنوان حرج را داشته باشد لا حرج این حرمت را برمی‌دارد. إنما الکلام در آنجایی که اضطرار نیست اما میل باطنی زن و مرد این است که اولاد داشته باشند، اگر هم نداشته باشند زندگی آنها خوب است، مثل افرادی که عمری با هم زندگی کردند و مشکلی نداشتند و اولادی هم خدا به آنها نداد. اما به اولاد بی میل هم نیستند، یعنی مسئله اضطرار در کار نیست بلکه مجرد معالجه است.

آیا از نظر شرعی این زوج و زوجه به ملاک معالجه نه به ملاک اضطرار و به ملاک ضرورت، می‌توانند بگویند ما می‌خواهیم معالجه کنیم؟ یا فرض کنید زنی بزرگی دارد می‌خواهد معالجه کند و کوچک کند و اضطراری هم در کار نیست و برای صرف زیبایی می‌خواهد این کار را انجام دهد کما اینکه رایج و شایع است، آیا زن می‌تواند تا اندازه‌ای که به حد اضطرار نرسیده و صرف معالجه است خود را در اختیار طبیب مرد قرار دهد؟ آن هم معالجه چیزهایی که ضروری نیست. بعضی از معالجه‌ها عنوان ضروری دارد مثلاً ناراحتی قلبی دارد و دکتر مرد و زن هم وجود دارند اما اعتمادش به دکتر مرد بیشتر از زن است، همین کافی است که به دکتر مرد معالجه کند. در جایی که اضطراری نیست و ملاک، مجرد معالجه و علاج است، آیا از ادله می‌توانیم استفاده کنیم که این زن خود را در اختیار دکتر اجنبی قرار دهد تا نطفه شوهر او را در رحم او قرار دهد و مستلزم نظر و لمس هم باشد.

بیان روایتی در باب علاج زن توسط مرد

اینجا یک روایت معتبر از ابو حمزه ثمالی از امام باقر ع داریم در ج 14 وسائل، ص 172، باب 130 از مقدمات نکاح، حدیث اول است. «قال سألته عن المرأة المسلمة يصيبها البلاء في جسدها» از امام باقر (ع) سؤال کرده است از یک زن مسلمانی که بلا به بدنش اصابت کرده، اما کسر و اما جرح یا یک جراحت و شکستگی بر او وارد شده «في مكان لا يصلح النظر إليه» در قسمتی از بدن او است که نظر به او جایز نیست، فرض کنید بعضی‌ها وجه الکفین را استثنا می‌کنند اما می‌گویند این شکستگی یا جراحت در قسمتی است که نظر به آنجا جایز نیست - در روایات بعضی اوقات کلمه لا يصلح آمده منتهی به معنای عدم جواز است - سائل می‌گوید «يكون الرجل أرفق بعلاجه من النساء» مرد بهتر می‌تواند علاج کند تا زن «أصلح عن النظر إليها» آیا نظر به این زن برای طبیب جایز است یا نه؟

«قال إذا اضطرت إليه فليعالجها إن شاءت» اگر زن مضطر به این مرد شد این مرد بپاید این زن را معالجه کند. اینجا اذا شرطیه داریم، روی نظر مشهور که در باب مفهوم شرط قائلند به اینکه جمله شرطیه مفهوم دارد مفهوم کلام امام (ع) این است که اگر اضطرار پیدا نکند حق ندارد «إذا اضطرت إليه» اگر زن اضطرار پیدا کرد، معنایش این است که اگر بخواهد به دکتر زن مراجعه کند او نمی‌تواند او را معالجه کند یعنی اگر معالجه صحیح به دست مرد است مرد معالجه کند. اگر از راه کامپیوتر بتوانید کلمه علاج یا يعالجه را بیاورید در فقه برای معالجه ببینید روایت دیگری داریم یا نه؟

ظاهراً همین یک روایت است، اگر روایت دیگری بود به بنده هم بگویید تا در روایات دیگر هم دقت کنیم. ما از نظر دلیل شرعی تعبدی، یک دلیلی برای این که به مجرد اینکه خودش را بخواهد معالجه کند اما ضرورتی ندارد حال بخواهد خود را در اختیار اجنبی قرار دهد، دلیلی بر جواز آن نداریم. چون در اینجا ادله حرمت نظر به اجنبیه و ادله حرمت لمس نسبت به اجنبیه اطلاقش

باقی می‌ماند. یعنی فرض کنید دو بچه دارد و می‌خواهد بچه سومی داشته باشد اما راهش این است که برود دکتر و از راه وسایل و ابزار بخواهد نطفه را در رحمش قرار دهد، اطلاق ادله حرمت نظر و لمس اینجا را می‌گیرد و می‌گوید لا يجوز.

نتیجه بررسی صورت اول تلقیح

آن ادله فقط در فرض ضرورت کنار می‌رود، اما با قطع نظر از اضطرار و حرج، بگوییم فقط به صرف العلاج من دون اضطرار و حرج، اینجا اطلاق ادله حرمت نظر و لمس به اجنبیه شامل می‌شود و باید گفت که از نظر فقهی جایز نیست. این حکم این صورت اول؛ از نظر اینکه آیا جایز است یا نه؟ و مسئله نظر و لمس که روشن شد.

طرح صورت دوم از اقسام تلقیح

صورت دوم که بحث مهمی است و عمده بحث در صورت دوم است این است که نطفه مردی را در رحم یک زنی که زوجه او نیست قرار بدهند. اینجا هم صور متعددی دارد؛ یا آن زن شوهر دارد، یا ندارد یا آن زن محرم نسبی این مرد هست یا نیست، یا آن زن محرم سببی آن مرد است یا نه. اینجا صور متعددی دارد که غالباً حکمش واحد است. زن و شوهری هستند که بچه دار نمی‌شوند و مشکل در مرد است، حالا بروند نطفه مرد دیگری را بگیرند و در رحم آن زن قرار دهند و بین آن زن و مرد هیچ ارتباط زوجیت برقرار نیست، آیا این جایز است یا نه؟ اینجا هم روایات و هم آیاتی داریم که از آن حرمت استفاده می‌شود و باید این روایات و آیات را بخوانیم.

ادله حرمت صورت دوم

اولین روایت: «علي بن ابراهيم عن ابيه عن عثمان بن عيسى عن علي بن سالم عن ابي عبدالله (ع) قال: ان اشد الناس عذاباً يوم القيامة رجلاً اقر نطفته في رحم يحرم عليه». شدیدترین عذابها در روز قیامت برای مردی است که نطفه خود را در رحم زنی قرار بدهد که آن رحم بر او حرام است. یعنی بین این مرد و آن زن علاقه ملک یمین و زوجیت شرعی وجود ندارد. چون رحم جائز یا از راه زوجیت است یا ملک یمین.

بررسی سند روایت

قبل از اینکه دلالت این روایت را بررسی کنیم این روایت سندش خوب است فقط در یک نفر به نام علی بن سالم اشکال است. ما در بین روایت دو علی بن سالم داریم؛ یکی علی بن سالم بطائنی واقفی مسلک داریم و یک علی بن سالم داریم که مجهول است. برخی از بزرگان می‌گویند علی بن سالم مردد بین دو نفر است و ما نمی‌دانیم کدامیک است و اعتبای ندارد. اما کسانی که توثیقات عامه را حجت می‌دانند که ما هم حجت می‌دانیم، مرحوم شیخ مفید در کتاب ارشاد تمام روایتی که از اصحاب امام صادق (ع) هستند توثیق کرده است به توثیق عام، که یکی علی بن سالم است.

لذا اگر ما توثیق عام را کافی بدانیم این روایت معتبر می‌شود. کسانی که مثل مرحوم آقای خوئی که در اوائل مباحث علمی خود توثیقات عامه را حجت می‌دانستند اما در اواخر عمر از این مبنا برگشتند و فرموده بودند توثیقات عامه حجیت ندارد در سند این

روایت مشکل دارند، اما کسی که توثیق عام را حجت می‌داند، چون شیخ مفید با جلالته که دارد تمام اصحاب امام صادق را توثیق کرده است، این برای ما قابل اعتبار است. پس سند روایت بحثی ندارد اما بحث مهم در دلالت این روایت است. ببینیم آیا از این روایت استفاده می‌شود که اگر با ابزار، نطفه را در داخل رحم زنی قرار دهند که بر او حرام است این هم حرام است یا نه؟